

وهابیت در سفرنامه دومینگو بادیا ای لبلیح

(علی بیک عباسی)، خاورشناس اسپانیایی

کامران محمدحسینی*

چکیده:

از سال‌های پایانی سده هجدهم میلادی همزمان با افزایش سفرهای خاورشناسان در شبه جزیره عربی، شکل‌گیری و رشد وهابیت و ظهور قدرت آل سعود زمینه تازه‌ای برای کنجکاوی آنان به وجود آورد. در این دوران، شبه جزیره عربی شاهد ورود چندین خاورشناس اروپایی بود که در آثار خود اطلاعاتی درباره این فرقه تازه تأسیس به مخاطبان اروپایی خود ارائه می‌کردند. مطالعه نگاشته‌های این خاورشناسان درباره وهابیت، از یک سو برای شناخت گفتمان خاورشناسی و رویکرد آن به پدیده‌های جوامع اسلامی و از سوی دیگر برای شناخت بیشتر جریان وهابیت مفید خواهد بود.

در این نوشته، به معرفی کتاب «سفرنامه علی بیک» (*Travels of Ali Bey*) اثر خاورشناس اسپانیایی دومینگو بادیا ای لبلیح *Domingo Badia y Leblich* و بازخوانی بخش‌هایی از آن، که به شرح تاریخ و عقیده وهابیت و توصیف وهابیان اختصاص دارد، پرداخته خواهد شد. سفرنامه او یکی از نخستین متن‌های موجود درباره وهابیت از دیدگاه یک اروپایی و شامل اطلاعاتی درباره زندگی و عقاید وهابیان، تاریخ سیاسی آل سعود در دوره نخست حکومت خود و شرایط سیاسی و اجتماعی حجاز در سال ۱۲۲۱ قمری/۱۸۰۷ میلادی است.

واژگان کلیدی: خاورشناسی، وهابیت، سفرنامه علی بیک، آل سعود، تاریخ حجاز

از سده هجدهم میلادی، خاورشناسی در اروپا رواج یافت و با حمایت دولت‌های اروپایی و نهادهای تحقیقاتی به رشته‌ای علمی و پیر رونق تبدیل شد. رواج خاورشناسی ریشه در تحولات فکری و اجتماعی اروپا در دوره جدید داشت. در این دوران، «سفر» همچون منبعی مهم از دانش شناخته می‌شد و «شرق» موضوع شناسایی تازه‌ای برای اروپاییان بود. آنان در پرتو شناخت شرق به باز تعریف انگاره انسان اروپایی از طریق یافتن تمایز آن با انسان غیر اروپایی می‌پرداختند؛ فرایندی که نقش مهمی در خودآگاهی تمدن غربی ایفا کرد (سعید، ۱۳۸۶، ص ۱۵؛ ترنر، ۱۳۸۳، ص ۴۶). افزون بر آن، شرق منبعی پر سود برای تجارت و بهره‌کشی مالی بود. اروپای صنعتی شده برای تهیه مواد ارزان قیمت و بازار محصولات خود، رو به استعمار کشورهای شرقی آورد و به نظر بسیاری از نویسندگان، شناخت این سرزمین‌ها از سوی خاورشناسان، مقدمه‌ای برای اقدامات نظامی و سیاسی اروپاییان در جهت سلطه جویی بر کشورهای شرقی بود.

تهیه نقشه، مطالعه جغرافیا، آداب و رسوم، عقاید، ساختار دولت‌ها و شکل و ساختار نظامی کشورها، سیاستمداران را برای تصمیم و اقدام سیاسی در این سرزمین‌ها یاری می‌رساند (سعید، ۱۳۸۶، ص ۲۲؛ دسوقی، ۱۳۷۴، ۱۰۱-۱۰۳؛ خلیفه حسن، ۱۹۹۷، صص ۱۹، ۳۳، ۳۷، ۳۹).

با شروع وهابیت در شبه جزیره عربی زمینه تازه‌ای برای مطالعات خاورشناسان به وجود آمد و معرفی این فرقه بخشی از اطلاعات موجود در سفرنامه خاورشناسان را به خود اختصاص داد. تعداد سفرنامه‌هایی که نویسندگان آن‌ها در دوره نخست حکومت آل سعود به شبه جزیره عربی سفر کردند از سفرنامه‌های مربوط به دوره‌های بعدی حکومت سعودیان کمتر است. یکی از این سفرنامه‌ها اهمیت زیادی دارد و در این مقاله بدان خواهیم پرداخت سفرنامه دومینگو بادیا ای لبلیچ است که در سال ۱۸۰۷ م. / ۱۲۲۱ ق. در مکه حضور داشته است.

منبع مهم دیگر در تاریخ وهابیت در این دوران، آثار لوئیس بورکهارت سوئیسی (John Lewis Burckhardt) است که در سال ۱۸۱۴ به حجاز آمد و افزون بر سفرنامه خود که شامل شرحی از وهابیان است، در کتابی دیگر به مطالعه قبایل صحرائشین عرب پرداخت و بخشی را به تاریخ و زندگی وهابیان اختصاص داد (Burckhardt, 1831, V. 2, p. 97). آنچه در ادامه می‌آید بازخوانی مطالب بخش‌هایی از کتاب سفرنامه علی بیک نوشته

دومینگو بادیا ای لبلیح است که همزمان با نخستین سال‌های ورود وهابیان به مکه در این شهر حضور یافته است. این اثر از نخستین نوشته‌های اروپاییان است که اطلاعاتی مبتنی بر مشاهده درباره وهابیان ارائه کرده و نویسنده آن از نخستین اروپاییانی است که وهابیان را از نزدیک دیده است.

سفرنامه علی بیک شامل شرح سفر او از هنگام ورودش به طنجه (واقع در کشور مراکش) تا سفر بازگشتش به سوی اروپا و رسیدن به شهر بخارست (پایتخت کشور رومانی) است.^۱ گزارش‌های نویسنده از وهابیت تنها بخش کوچکی از کتاب را در بر گرفته و شامل اطلاعات پراکنده‌ای است که به مناسبت شرح مشاهداتش از شهرهای حجاز ارائه کرده است. افزون بر آن، او در میانه فصول مربوط به سفر حجاز بخشی را نیز به شرح مختصر تاریخ و عقاید وهابیان اختصاص داده است. (Ali Bey, 1816, V. 2, P.128)

دومینگو بادیا ای لبلیح و سفرنامه او

دومینگو بادیا ای لبلیح (Domingo Francisco Jordi Badía y Leblích) در سال ۱۷۶۶ میلادی در بارسلونا، واقع در اسپانیا به دنیا آمد؛ چنان‌که از سفرنامه وی نیز به خوبی می‌توان دریافت، به علوم طبیعی؛ مانند نجوم، زیست‌شناسی و کانی‌شناسی آگاه بود و به زبان عربی تسلط کامل داشت. او که در ارتش پادشاهی اسپانیا خدمت می‌کرد، طرحی برای اکتشاف در قاره آفریقا ارائه داد و توانست حمایت مالی دولت اسپانیا را به دست آورد. (Montaner & Casassas, 2006, p183-184; Ralli, 1909, p 49) مدت کمی پیش از آنکه سفر خود را به مراکش آغاز کند به پاریس و لندن سفر کرد. این سفرها و گرایش بعدی او به ناپلئون، بیشتر نویسندگان را بر آن داشت که وی را مامور ناپلئون بدانند و سفر او به شبه جزیره عربی و مکه و مدینه را سفری با اهداف نظامی و سیاسی قلمداد کنند (بیرین، بی‌تا، ص ۱۸۵) تحقیقات تازه‌تر که به برخی از سندهای تاریخی مبتنی است، ضمن تأکید بر هدف علمی سفر وی، هدف ثانویه سفر او را انجام مأموریت برای

۱. مقاله حاضر با استفاده از ترجمه انگلیسی کتاب که در سال ۱۸۱۶ میلادی در ۲ جلد در لندن به چاپ رسیده نگاشته شده است: Ali bey, Travels of Ali Bey, London, Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown, 1816

دولت اسپانیا می‌دانند؛ بر اساس این نظر، دومینگو بادیا مأموریت داشت قبایل جنوب کوه‌های اطلس را بر ضد سلطان مراکش تحریک کند تا شرایط حمله اسپانیا به این کشور را فراهم آورد. بر اساس این نظریه، سفر دومینگو به شبه جزیره عربی از پیش برنامه‌ریزی نشده بود و تنها بعد از ناکامی او در انجام مأموریت سیاسی اش مبادرت به این سفر کرد (Montaner & Casassas, 2006, p 184-186).

با آگاهی اندکی که از زندگی دومینگو بادیا به دست داریم، نمی‌توانیم به درستی، پرسش‌ها درباره زندگی و سفر او را پاسخ گفت و به نظر می‌رسد تحقیق درباره زندگی او تنها با مراجعه گسترده به اسناد باقی مانده از اسپانیای آن دوره میسر باشد که از اهداف این نوشتار خارج است.

سفرنامه باقی مانده از دومینگو بادیا نیز چندان کمکی به شناخت اهداف و انگیزه‌های سفر او نمی‌کند و حتی از هویت اصلی او نیز اطلاعی به دست نمی‌دهد. وی در سفرنامه خود و به محض آغاز سفرش در سرزمین‌های اسلامی، خود را یکی از بازماندگان خاندان عباسی متولد حلب معرفی کرد که ساکن اسپانیا بوده است (Ali Bey, 1816, V.1, p4; Ralli, 1909, p 49) نام مستعار او که شهرتی بیش از نام اصلی اش یافته و بر عنوان کتابش جای گرفته، علی بیگ (Ali Bey) عباسی است.

وی در طول سفر، همچون یک اشراف زاده عرب سفر می‌کرد و به شاهان و حاکمان شهرهای اسلامی نزدیک می‌شد و با آنان طرح دوستی می‌ریخت. منابع مالی سفر پرهزینه اش که مشتمل بر هدایای گران قیمتی بود که به شاهان و حاکمان پیشکش می‌کرد، بر ما معلوم نیست. (Ralli, 1909, p49)

درباره عقاید مذهبی علی بیگ نیز اطلاع دقیقی در دست نیست؛ در کتابش جملاتی که نشان دهنده علاقه او به اسلام یافت می‌شود و این موضوع باعث ایجاد تردیدهایی درباره عقاید وی نزد پژوهشگران شده است. (بیرین، بی تا، ص ۱۸۶)

سفر علی بیگ در سرزمین‌های اسلامی، از سال ۱۸۰۳م. با رسیدن به شهر طنجه آغاز شد. او مدت زیادی در مغرب ماند و با سلطان این سرزمین طرح دوستی و نزدیکی ریخت؛ (Ali Bey, 1816, V. 2, p48) سپس سفرش را به سوی طرابلس و اسکندریه و بعد به قاهره ادامه داد.

علی بیگ در سال ۱۸۰۶م. از مصر به قصد حج به راه افتاد و از طریق بندر سوئز از راه دریای سرخ راهی جده شد. او از جده به مکه سفر کرد. در مکه نیز با شریف مکه دیدار کرد و نزد او جایگاهی یافت و اجازه پیدا کرد در مراسم شستشوی کعبه شرکت کند (Ali Bey, 1816, V. 2, p. 55, 57- 59; Ralli, 1909, p50-53) وی مدتی بعد از موسم حج به جده بازگشت و از آنجا به قصد رفتن به مدینه راهی یَبُوع شد اما به دلیل ممانعت وهابیان، امکان ادامه سفر نیافت و به یبوع بازگشت. او در ادامه از طریق فلسطین و شام به استانبول رفت و از آنجا به سفر خود به سرزمین های داخلی اروپا ادامه داد. سفرنامه او شرح سفرش را از هنگام ورود به طنجه تا رسیدن او به بخارست دربرمی گیرد. (Ali Bey, 1816, V.1, p. ix; V.2 P.369).

بازگشت علی بیگ به اسپانیا، مقارن با اشغال این سرزمین به دست ناپلئون بود. او برخلاف سایر مردم اسپانیا طرفدار ناپلئون بود و به همین دلیل به فرانسه سفر کرد و چند سال در این کشور ماند. علی بیگ بار دیگر تصمیم سفر به شرق گرفت و در سال ۱۸۱۸م. راهی شام شد اما در نزدیکی دمشق درگذشت (Ralli, 1909, p. 62).

سفرنامه علی بیگ نخستین بار به زبان فرانسه در سال ۱۸۱۴م. به چاپ رسید و تنها دو سال بعد به انگلیسی ترجمه شد. در همان سال (۱۸۱۶م.) ترجمه ایتالیایی آن نیز به چاپ رسید و چند سال بعد به آلمانی و سپس به اسپانیایی ترجمه شد.

سفرنامه علی بیگ از نخستین سفرنامه‌هایی است که به سبک و سیاقی علمی و به قلم یک نویسنده علم‌آموخته اروپایی نگاشته شده است؛ از این رو، سفرنامه او منبعی با اطلاعات فراوان و حاصل مشاهده دقیق او درباره آداب و عادات انسانی مردمان و نیز ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی مناطق مختلف است. سفرنامه او برای تکمیل نقشه کشورهای اسلامی نیز اهمیت زیادی در زمان خود داشته است. (Montaner & Casassas, 2006, p.188-194) او نخستین کسی است که اطلاعات دقیقی درباره راه‌ها و مکان‌های جغرافیایی شهرهای مکه و مدینه به دست داد و به تکمیل نقشه این مناطق کمک کرد (کوبر و ریتز، ۱۹۹۷، ص ۷۳).

۱. عنوان فرانسوی کتاب چنین است: Voayages D' Ali Bey en Afrique et en Asie

وضع سیاسی حجاز در سفرنامه علی بیگ

دامنه توسعه طلبی سعودیان در دوره نخست حکومت خود، در زمان عبد العزیز سعودی (۱۲۱۸-۱۱۷۹ق. / ۱۸۰۳-۱۷۶۶م.) به حجاز رسید و درگیری با حاکم مکه، شریف غالب بن مساعد (حکومت ۱۲۲۸-۱۲۰۲ق.) آغاز شد. سلسله‌ای از نبردها بین وهابیان و نیروهای شریف، بعد از صلح کوتاهی در سال ۱۲۱۳ق، دست آخر به شکست شریف غالب انجامید (ابن بشر، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۰؛ دحلان، بی تا، ص ۲۹۰).

در سال ۱۲۲۰ق، شریف غالب بعد از یک دوره محاصره طولانی مدت مکه به دست نیروهای سعود بن عبدالعزیز (۱۲۲۹-۱۲۱۸ق. / ۱۸۱۴-۱۸۰۳م.) که بعد از مرگ پدرش رییس وهابیان بود، مجبور به پذیرش صلح شد و پیروی خود از آیین وهابی را اعلام و دستورات مذهبی وهابیان را اجرا کرد؛ بدین ترتیب توافق شد وهابیان هر زمان که خواستند برای انجام مراسم حج به مکه بیایند و با این شرایط، شریف غالب بر حکومت مکه باقی ماند (در باره تاریخ مکه در این دوران؛ ابن بشر، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۶؛ امین، بی تا، ص ۳۰-۳۳).

سال بعد از این واقعه، علی بیگ به مکه رسید و موسم حج سال ۱۲۲۱ق. را در مکه گذراند. گزارشی که وی از شرایط سیاسی حجاز در آن سال به دست داده با اطلاعات کتاب‌های تاریخی همخوانی دارد. او به چند پارگی قدرت در حجاز در دوره حضورش در مکه اشاره کرده است. به تعبیر او، این شرایط به گونه‌ای است که مردم نمی‌دانند حاکمشان چه کسی است. در عمل این شریف مکه بود که علی رغم تسلیم در برابر آل سعود همچنان رییس مکه بود. سلطان سعودی هر چند سایر رؤسای شهرها و قبایل را مطیع خود ساخته بود اما حکومتی یکپارچه به ریاست خود تشکیل نداد. شریف مکه همچنان سپاهی سه هزار نفری از ملیت‌های مختلف در اختیار داشت که هر چند در مقابل وهابیان ناتوان بودند اما تا حدودی قدرت شریف مکه را حفظ می‌کردند و مانعی در برابر وهابیان به حساب می‌آمدند. بر اساس این توصیف به نظر می‌رسد شریف مکه در این سال‌ها با پذیرش قدرت وهابیان و اعلام قبول مذهب وهابی، به تعبیری حاکم نیمه مستقلی از سوی سعود بن عبدالعزیز به حساب می‌آمد (Ali Bey, 1816, V. 2, p. 124).

نویسندگان غیر وهابی اعلام قبول مذهب وهابی را حرکتی ظاهری از سوی شریف اعلام و تأکید دارند که شریف در خفا با سلطان عثمانی در ارتباط بود (دحلان، بی تا، ص ۳۲۶).

به گزارش علی بیگ علی رغم مخالفت و منع وهابیان، نام سلطان عثمانی در خطبه نماز جمعه همچنان برده می شد. با این حال علی بیگ اشاره می کند که شریف مکه از سلطان عثمانی نیز اطاعت نمی کرد و در برابر او نیز مستقل بود. پاشای جده که از سوی حکومت عثمانی تعیین می شد با اینکه بیشتر وقت خود را در مکه به سر می برد، هیچ کاری نمی کرد و بیشتر میهمان شریف بود بدون اینکه هیچ اعمال قدرتی داشته باشد. قاضیانی که عثمانی به مکه، جده و مدینه می فرستاد نیز بر مسائل حکومت نفوذی نداشتند (Ali Bey, 1816, V.2, p123-124)؛ چنان که سایر منابع تاریخی اشاره کرده اند بعد از سلطه سعود، وهابیان قاضی شهرهای مکه، مدینه و جده را که از طرف عثمانی آمده بودند بازگرداندند و از طرف خود قضات جدیدی منصوب کردند (سباعی، ۱۴۲۰، ص ۵۰۴).

میقات حج

با وجود استقلال نسبی شریف مکه، آنچه علی بیگ در کل سفرنامه خود از فعالیت آل سعود و وهابیان ارائه کرده، نشانه قدرت زیاد آنان در آن زمان است. برای نمونه واکنش شریف مکه در هنگام حضور وهابیان در مکه به هنگام موسم حج سال ۱۲۲۱ قمری، نشان گر ترس شریف از حمله ناگهانی آنان است. به گفته علی بیگ تعداد زیادی از وهابیان که او تعداد آنان را ۴۵ هزار تن دانسته در حالی وارد مکه شدند که شریف مکه خود را پنهان کرده بود. نیروهای شریف در قلعه ها در حالت آماده باش بودند و دروازه ها را با سنگ پوشانده بودند (Ali Bey, 1816, V. 2, p 64, 68). در این سال آل سعود مانع ورود کاروان حج شامی به حج شدند (ابن بشر، بی تا، ج ۱؛ ص ۱۴۰-۱۳۹؛ دحلان، بی تا، ص ۳۲۶) وهابیان در نزدیکی مدینه به دیدار امیر حاج شامی رفتند و به او گفتند تنها در صورتی اجازه ورود به مکه را دارد که زنان همراه کاروان و سپاهیان و توپخانه همراه خود را بازگرداند. آنان همچنین اشاره کردند که او اجازه وارد کردن فرشی را که هر ساله از استانبول برای حرم پیامبر ﷺ فرستاده می شد نخواهد داشت.

در این سال همچنین سعود بن عبدالعزيز، امامی را که هر ساله از طرف شریف برای خواندن خطبه به عرفات می آمد بازگرداند و یکی از علمای وهابی مورد نظر خود را به جای او گذارد (Ali Bey, 1816, V.2, p. 66, 70).

کلیات آنچه علی بیک از فضای مکه ارائه کرده، حاکی از ترس و وحشتی است که در فضای عمومی مکه از وهابیان در دل‌های مردم وجود داشته است. مردم مکه سعی می کردند از وهابیان فاصله بگیرند (Ali Bey, 1816, V. 2, P. 69). وهابیان مزارات مکه را از میان برده بودند و زیارت همه مساجد و خانه‌هایی را که یادگاری از اعمال پیامبر بود، ممنوع کرده بودند. به گفته او وهابیان گروهی مسلح را در پایین کوه نور به نگهبانی گذاشته بودند که کسی برای زیارت به بالای این کوه نرود. وهابیان همچنین استفاده از تسبیح، مصرف تنباکو و باقی گذاشتن مقداری از موی سر هنگام تحلیق را ممنوع کرده بودند. آن‌ها در این سال اجازه سفر به مدینه را به زائران ندادند. هنگامی که علی بیک تلاش کرد با کاروانی از طریق ینبع به مدینه سفر کند با ممانعت وهابیان روبرو شد؛ آن‌ها کاروانیان را به مدت زیادی در بیابان نگه داشته و از آنان باج گرفتند (Ali Bey, 1816, V.2, P. 133,154 -157).

گزارش علی بیک از ساختار نظامی و حکومتی وهابیان نیز شایان توجه است. به گفته او نیروهای نظامی وهابی شباهت زیادی به نیروهای نظامی مکه دارند. آنان نیز به سلاح‌هایی دسترسی دارند که از ترکیه یا اروپا آمده است. وهابیان باروت و گلوله‌های مورد نیاز برای سلاح خود را خودشان می‌سازند که البته به دلیل مهارت کم آنان مرغوبیتی ندارد. به گفته علی بیک وهابیان هیچ سازماندهی نظامی خاصی ندارند و تاکتیک مبارزه آنان خلاصه می‌شود در اینکه در گروه‌هایی به دنبال فرمانده حرکت و از حرکات نامنظم او پیروی کنند. علی بیک با تأکید بر انضباط نظامی وهابیان اطاعت فوق العاده آنان را از فرمانده، از عوامل پیروزی در جنگ‌ها دانسته است (Ali Bey, 1816, V.2, p.136-137).

ساختار حکومت وهابیان نیز همان سادگی ساختارهای نظامی آنان را دارد. هیچ اداره و سازمانی در کار نیست و همه کارها را رییس قبیله انجام می‌دهد. سعود تنها

قضاتی را به قبایل و شهرها می فرستد، اما خودش هیچ قاضی، وزیر، مشاور و سازمانی ندارد. سعود از سرزمین‌هایی که زیر سلطه‌اش هستند عشر می گیرد و دیگر مالیاتی اخذ نمی کند ولی آن‌ها موظف به تهیه نیروی نظامی مورد نیاز وی هستند. هنگامی که سلطان سعودی نیاز به سرباز دارد به قبایل زیر سلطه خود نامه‌ای می نویسد و تعداد افراد مورد نیاز را ذکر می کند و قبایل، افراد را به شکل مسلح می فرستند و سلطان سعودی دیگر نیازی به تهیه تجهیزات ندارد (Ali Bey, 1816, V.2, p.136).

وهابیت از دیدگاه علی بیگ؛ بدویت و اصلاح‌گرایی

نگاه علی بیگ به وهابیان بی شباهت به برخی از نظرات رایج نزد دیگر خاورشناسان نیست. به نظر می رسد تجربه اصلاحات مذهبی و ظهور مذهب پروتستانتیزم و شاخه‌های آن در اروپای مسیحی از یک سو و نگاه شرق‌شناسانه آمیخته به رمانتیسزم (Romanticism) از سوی دیگر؛ از جمله بنیان‌های نگاه خاورشناسان اروپایی به وهابیت است. برخی از خاورشناسان آشکارا وهابیت را به پروتستانتیزم و پیوریتنیزم (Puritanism) درعالم مسیحی تشبیه کرده‌اند (دیدیه، ۲۰۰۱، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ Burckhardt, 1831, V.2, P.9). آنان همچنین کمابیش با ادبیات برگرفته از تجربه فرهنگی و تاریخی خود درباره وهابیت سخن گفته‌اند که از نمونه‌های آن می توان به استفاده از واژه اصلاح «Reforme» و مشتقات آن در اشاره به جنبش وهابیت و حرکت محمد بن عبدالوهاب اشاره کرد (Ali Bey, 1816, V. 2, P. 129, 150; Burckhardt, 1831, V.2, P.99).

نمونه دیگری از بازتاب تجربه اروپایی نهضت اصلاح‌دینی مسیحی در اندیشه خاورشناسان، تأکیدی است که آنان بر آموزه بازگشت به متون اصلی اسلامی نزد وهابیان همچون اصلی‌ترین آموزه این فرقه دارند (هورخرونیه، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۵۶؛ Burckhardt, 1831, V.2, P. 105). این آموزه شباهت زیادی به اندیشه‌های نهضت‌های پروتستان مبنی بر بازگشت به کتاب مقدس در برابر تعالیم انباشته شده کلیسا در طول تاریخ دارد (مک آفی براون، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷) نزد علی بیگ نیز، که منبع اصلی شناختش از وهابیان به گفته خودش شنیده‌ها و دیده‌هایش است، وهابیت جنبشی است اسلامی برای بازگرداندن اسلام به سادگی ابتدایی

آن و زدودن آیین‌ها و رسوم و زواید اضافی که در طول صدها سال از سوی علما و فقها بدان اضافه شده است. به گفته او وهابیان تنها قرآن و حدیث را منبع اصلی استخراج احکام به شمار آورده و سایر مذاهب فقهی را نفی می‌کردند (Ali Bey, 1816, V.2, p.129) تمرکز بر این جنبه از اندیشه وهابی باعث کم توجهی او و برخی از خاورشناسان به بخش‌های دیگر اندیشه وهابی شد که از آن میان باید به اندیشه توحید با تفسیر خاص وهابیان اشاره کرد که ریشه مبارزه آنان با آداب و آیین‌های رایج در تمدن اسلامی مانند زیارت مقابر صالحان را تشکیل می‌داد و مورد تأکید خود وهابیان بود (محمد بن عبدالوهاب، ۲۰۱۰، ج ۱، کتاب توحید، ص ۹-۹۱)

برای علی بیگ و کمابیش سایر خاورشناسان، وهابیت روی دیگری نیز داشت که این بار نه از نظر شباهت با تجربه اروپای مسیحی بلکه به عکس به دلیل تقابل آن با تجربه اروپای جدید برای خاورشناسان قابل مطالعه بود و آن خاستگاه بدوی - اصطلاحی که خاورشناسان برای شناساندن قبایل بیابان نشین شبه جزیره عربی از آن بهره برده‌اند - (Burckhardt, 1831, V.2, P.95-96) این آیین بود. مباحث خاورشناسان در این زمینه نخستین گام‌های طرح نظرات جامعه‌شناختی درباره این مذهب بوده است. علی بیگ مذهب وهابیان را مذهبی سازگار با روحیه و زندگی بدویان به حساب آورده و عامل موفقیت محمد بن عبدالوهاب در جذب قبایل نجد را همین موضوع می‌داند. او اشاره می‌کند که مخالفت با شعائر مذهبی برای مردم مکه که بخش عمده‌ای از درآمد خود را از سفرهای زیارتی به دست می‌آوردند خوشایند نبود، در حالی که قبایل بدوی نسبت به آیین‌ها بی تفاوت بودند و شعائر مذهبی را اجرا نمی‌کردند و از نظر دینی نیز چندان در مدارس رسمی تعلیم ندیده بودند که جایگاه آیین‌ها را در مذهب دریابند (Ali Bey, 1816, V.2, p.129)

او در توصیف وهابیان، که آنان را برای نخستین بار هنگام ورود به مکه به چشم دید، همین رویکرد را حفظ کرده است. وهابیان در کلام وی گروهی از مردمان بدوی نیمه عریانند که بسیار ساده و بدون هیچ تشکیلات یا نشان و آیینی و با شور و شوق و هیجانی غیر عادی وارد مکه شدند و به زیارت خانه خدا پرداختند. آنان که در آغاز در گروه‌های نظامی مشخصی حرکت می‌کردند، به هنگام زیارت خانه خدا نظم دسته‌ها را

شکسته و برای بوسیدن حجر الأسود هجوم آوردند. ازدحام آنان برای بوسیدن حجر، به شکسته شدن چراغ‌های آویزان در اطراف کعبه، با سلاح‌هایی که بر دوش داشتند، منجر شد و هجومشان به سوی چاه زمزم به شکسته شدن ابزار برداشت آب و پاره شدن طناب چاه انجامید (Ali Bey, 1816, V. 2, P. 60-62).

علی بیگ بعد از ارائه این تصویر، گویی که از تأکید بیش از اندازه بر بدویت وهابیان پشیمان باشد، با تعدیل در سخن خود اشاره به استعداد این گروه برای کسب تمدن کرده است، هر چند دلیلی که بر این مدعا ارائه می‌کند چندان هم قوی نیست. او می‌گوید: وهابیان غارتگر نیستند و بدون توجه به اینکه وهابیان در هنگام ورود به مکه با شریف مکه در صلح بودند و به قصد جنگ نیامده بودند، اشاره می‌کند که آنان تنها کسانی را که به نظرشان خارج از دین بیابند غارت می‌کنند و اهل دزدی نیستند. آنان در طول مدت حضور در مکه دزدی نکردند و چیزی را به زور نستاندند و هر چند با خود پول نداشتند با چیزهایی که همراه داشتند مانند باروت یا قهوه، هزینه کالاها را می‌پرداختند (Ali Bey, 1816, V. 2, P. 62-63) علی بیگ جایی دیگر در کتاب خود هنگامی که از ماجرای گرفتاری در بیابان میان یبوع و مدینه به دست وهابیان سخن رانده و از خشونت وهابیان در اخذ پول از مسافران خبر داده، آنان را به دلیل بسنده کردن به این مقدار و غارت نکردن همه اموال مردم ستایش کرده است (Ali Bey, 1816, V. 2, p. 158) او که در مدت حضور وهابیان در مکه به میان آنان رفته و با برخی از آنان سخن گفته، وهابیان را اهل مدارا دانسته و از نفرت و ترس مردم حجاز از آنان تعجب کرده است؛ این در حالی است که خود او در بیان تاریخ وهابیت، حمله آنان به کربلا و کشتار صورت گرفته در آن را سهمگین دانسته و از کشتار کودکان این شهر خبر داده است (Ali Bey, 1816, V.2, p.134) به نظر می‌رسد علی بیگ در واکنش به جوّ جامعه اسلامی، که یکسره بر ضد وهابیان بوده‌اند، در تلاش برای رعایت انصاف و سعی در نگاه معتدلانه‌تری به وهابیت دارد، اما در این نگاه به تصویری جامع نرسیده و بین احساسات مختلف خود از وهابیان در نوسان است.

با وجود سخن گفتن از استعداد کسب تمدن، علی بیگ برای جنبش نوپای وهابی، آینده موفق‌تری پیش بینی نکرده است. مهم‌ترین مانع پیشرفت آنان را نیز در عقاید این قوم دانسته که با

دستاوردهای تمدنی سایر اقوام مسلمان در تضاد است (Ali Bey, 1816, V.2, P. 128). در حقیقت علی بیگ سختگیری‌های وهابی را مخالف با تمدن به شمار آورده و پذیرش این تعالیم در جایی غیر از بیابان‌های شبه جزیره عربی را غیر ممکن می‌داند. وی با اشاره به سختگیری‌ها و تعصبات وهابیان، آن را مخالف طبیعت انسانی دانسته است. به گفته وی، این سختگیری‌ها باعث خواهد شد که این فرقه در جایی خارج از بیابان‌های شبه جزیره و در اماکنی که به واسطه شهرنشینی با تمدن و رفاه حاصل از آن آشنایی دارند، پیروانی کسب نکند.

از سوی دیگر، پیروان این فرقه نمی‌توانند روابط خود را برای همیشه با سایر ملت‌ها قطع کنند؛ چرا که برای زندگی کردن در شبه جزیره عربی به مبادله و تجارت با دیگر ملت‌ها نیاز دارند. از سوی دیگر ارتباط با سایر ملت‌ها آنان را متقاعد خواهد کرد که تعصب و سخت‌گیری با ذات انسانی مخالف است و آنان مجبورند از عدم تساهل خود دست بردارند (Ali Bey, 1816, V.2, p. 138-139).

در نظر علی بیگ این مسئله مهم‌ترین مانع در راه گسترش آیین وهابیت خواهد بود. اما از نظر نظامی شرایط طبیعی عربستان به نفع آنان است و غلبه دشمنانشان را بر آنان بسیار دشوار خواهد ساخت. وی با ارائه تحلیلی از شرایط نظامی شبه جزیره عربی که تا حد زیادی صحیح و با تاریخ گسترش آل سعود سازگار است، وهابیان را در میانه بیابان مغلوب ناشدنی دانسته است؛ اما این نه به دلیل وسعت نیروهایشان بلکه به دلیل طبیعت سرزمینشان است که دیگر ملت‌ها نمی‌توانند در آن زندگی کنند و آنان به راحتی خودشان را در وسعت بیابانی آن از دشمنانشان پنهان می‌کنند.

نیروهای خارجی نیز هر چند ممکن است مدتی بتوانند شهرهای حجاز؛ از جمله مکه و مدینه را تصرف کنند اما با باقی‌گذاردن یک گروه نظامی کوچک در این شهرها، قدرتشان پایدار نخواهد ماند و به راحتی مغلوب وهابیون خواهند شد (Ali Bey, 1816, V.2, p. 139).

آنچه علی بیگ در کتاب خود طرح کرد، از نخستین تلاش‌ها در جهت جامعه‌شناسی این قوم و پیش‌بینی حرکت آتی آن بود؛ اما تحولات منطقه و جهان در دو سده بعد از

سفر وی، تا حدی متنوع و پیچیده بود که آینده و هابیت را از حرکت ساده‌ای که علی بیک برای آن پیش‌بینی می‌کرد، دور ساخت.

نقش آفرینی قدرت‌های دور و نزدیک در سرنوشت خاورمیانه، تغییرات سریع در ترکیب قدرت در سطح بین‌المللی، کشف و اهمیت یافتن نفت در شبه جزیره عربی و سایر تحولات سریع اجتماعی و سیاسی سرزمین‌های عربی در آغاز سده بیستم میلادی، از جمله عوامل تأثیرگذار بر سرنوشت و هابیت بود. با این حال پیش‌بینی علی بیک درباره شرایط نظامی و هابیت تا حدودی واقعیت یافت، و وهابیان با وجود شکست از نیروهای مصری و عثمانی دوباره توانستند سربر آورند و قدرت را در شبه جزیره به دست گیرند؛ اما آنچه وی درباره نابودی این جنبش در صورت برخورد با سایر تمدن‌ها طرح کرد چندان صحیح نبود. هرچند و هابیت در سیر تاریخی خود در تبدیل شدن به یک مذهب حکومتی، مجبور به پذیرش برخی از اصلاحات شد اما تندروی و تعصب آمیخته به خشونت خود را حفظ کرد و همچنان در هم‌سخنی با مسلمانان و سایر مردم جهان دچار مشکل است.

نتیجه گیری

سفرنامه دومینگو بادیا ای لبلیچ (علی بیک) فارغ از اینکه سفر او از نظر سیاسی چه هدفی داشته و یا انگیزه اصلی سفر او چه بوده، منبع عمده‌ای برای مطالعه تاریخ شبه جزیره عربی در سال ۱۲۲۱ قمری/ ۱۸۰۷ میلادی است. با این حال، در مطالعه این اثر، مانند سایر آثار خاورشناسان باید به رویکردهای خاص این نویسنده در تحلیل زندگی و اندیشه‌های جامعه اسلامی توجه کافی کرد. اطلاعات کتاب علی بیک در عین حال که به دلیل مشاهدات مستقیم او حائز اهمیت است، از نظر تحلیل و بررسی باورهای جامعه اسلامی و یا توصیف اندیشه وهابیان نمی‌تواند منبعی اصلی باشد؛ چرا که او در فهم برخی از اندیشه‌های اسلامی اشتباهات بارزی داشته است.^۱ از سوی دیگر دومینگو نیز مانند سایر خاورشناسان در شناخت و هابیت تحت تأثیر پیش‌فرض‌های حاصل از فرهنگ اروپایی

۱. برای نمونه در جایی از کتاب عقیده با معراج پیامبر را با اندیشه عروج روح پیامبر به بهشت بعد از وفات آن حضرت آمیخته است. Ali Bey, 1816, V.2, P.147.

است و چنان که اشاره شد با ادبیات مربوط به اندیشه اروپایی و تحت تأثیر آن به تحلیل و بررسی مذهب وهابیت پرداخته و در کتاب خود وهابیت را یک جنبش اصلاح دینی متعصب به دست گروهی از اعراب بدوی ارزیابی کرده است و نه چنان که بسیاری از مسلمانان معتقد بوده‌اند؛ فرقه‌ای منحرف و بدعت آمیز.

بازخوانی آثار خاورشناسان درباره وهابیت در وهله نخست اطلاعات مهمی درباره خاورشناسی و دیدگاه خاورشناسان غربی درباره اسلام و پدیده‌های اجتماعی جهان اسلام به دست می‌دهد. افزون بر آن، آنچه در مطالعه سفرنامه خاورشناسان؛ از جمله سفرنامه علی بیگ شایان توجه است، اهمیت روش‌شناسانه اینگونه آثار است که می‌تواند زمینه‌های تازه‌ای برای تحقیق درباره پدیده‌های جوامع اسلامی؛ از جمله وهابیت فراهم آورد. رویکرد علمی مبتنی بر مشاهده و تلاش برای تطبیق اتفاقات اجتماعی بر اصول کلی معرفت جامعه‌شناسانه که توانایی پیش‌بینی آینده پدیده‌های اجتماعی را فراهم کند روشی است که علی بیگ، علی‌رغم کاستی‌های اثرش، کم و بیش سعی دارد در شرح و توصیف خود از وهابیت بدان پایبند باشد. این روشی است که به کارگیری آن در کنار جدال فکری و عقیدتی با فرقه‌ای انحرافی مانند وهابیت باید مورد توجه نویسندگان و دانشمندان مسلمان نیز قرار گیرد تا زمینه تولید آثار جامعه‌شناختی از پدیده‌های جوامع اسلامی را به قلم مسلمانانی که تجربه زندگی در جوامع اسلامی و درک صحیح‌تری از جامعه و باورهای آن دارند، فراهم آورد.

منابع:

1. Ali bey, *Travels of Ali Bey (In Morocco, Tripoli, Cyprus, Egypt, Arabia, Syria and Turkey: Between the Years 1803 and 1807)*, London, Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown, 1816
2. Burckhardt, John Lewis, *Notes on the Bedouins and Wahabys*, London, Henry colburn and Richard Bentley, 1831
3. Montaner, M. carme, & Anne Maria Casassas, *Between Science and Spying: Maps of the Northen Africa and Near East in Work of Ali Bey el- Abbassi*, Eastern Mediterranean Cartographies, Tetradia Ergasias 25/26 2006,
4. Ralli, Augustus, *Christians at Mecca*, London, William Heinemann, 1909

۵. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، (بی تا) عنوان المجد فی تاریخ نجد، ریاض، مكتبة الرياض الحديثه، بی تا.
۶. امین عاملی، سید محسن، (بی تا) كشف الارتیاب، دار الكتب الاسلامی، بی جا.
۷. بیرین، جاکلین (بی تا)، اكتشاف جزيرة العرب، ترجمه قدری قلجی، بیروت - لبنان، منشورات فاخریه و دار الکاتب العربی
۸. ترنر، بریایان، (۱۳۸۳ش)، رویکردی جامعه شناختی به شرق شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه محمد علی محمدی، تهران، یادآوران.
۹. خلیفه حسن، محمد، (۱۹۹۷م)، آثار الإستشراق فی المجتمعات الإسلامیة، عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیة.
۱۰. دحلان، احمد بن سید زینی، (بی تا)، امراء البلد الحرام منذ اولهم فی عهد الرسول ﷺ حتى الشریف الحسین بن علی، بیروت، دار المتحده.
۱۱. دسوقی، محمد، (۱۳۷۴ش)، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، ترجمه محمود رضا افتخار زاده، تهران، نشر هزاران.
۱۲. دیدیه، شارل، (۲۰۰۱م)، رحلة الى الحجاز، ترجمه محمد خیر البقاعی، ریاض، دارالفیصل الثقافیة.
۱۳. سباعی، احمد، (۱۴۲۰ق)، تاریخ مکه، مکه المکرمه، مكتبة احیاء التراث الاسلامی.
۱۴. سعید، ادوارد، (۱۳۸۶ش)، شرق شناسی، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، امیر کبیر.
۱۵. کوبر، لی دیفید، و جورج ریتز، (۱۹۹۷م)، الحركة الوهابیة فی عیون الرحالة الاجانب، ترجمه عبدالله بن ناصر الولیعی، ریاض، مؤسسة الممتاز للطباعة و التجلید.
۱۶. محمد بن عبد الوهاب، (۲۰۱۰م)، مجموع مؤلفات الشیخ محمد بن عبد الوهاب، تحقیق زائد بن صمبری بن ابی علفه، ملیار للاستثمار.
۱۷. مک آفی براون، رابرت، (۱۳۸۱ش)، روح آیین پروتستان، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نگاه معاصر.
۱۸. هورخرونیه، سنوک، ترجمه علی عوده شیخ، (۱۴۱۹)، صفحات من تاریخ مکه المکرمه، ریاض، ادارة الملك عبدالعزيز.